

مکتب تاریخ نگاری قرآنی

معصومه روستا طالب آباد^۱

^۱ کارشناسی ارشد، گروه فقه و اصول (سطح ۳)، دانشگاه معارف، قم، ایران

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی مکتب تاریخ نگاری قرآنی است. با توجه به اینکه قرآن کریم مهم ترین منبع برای دست یابی تحولات جامعه ی بشری است و این تحولات نقش اساسی در تربیت و هدایت انسان دارد، لذا پرداختن به موضوع ضرورت دارد. پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی و استناد به منابع کتابخانه ای صورت گرفته است. نتایج پژوهش نشان داد دقت و تامل در وقایع تاریخی و تاریخ نگاری مهم ترین دستاورد قرآن کریم برای جوامع بشری محسوب می شود. هم چنین در بررسی ویژگی های تاریخ نگاری قرآنی، می توان آن را به دو دسته محتوایی و روشی تقسیم کرد.

واژه های کلیدی: تاریخ، تاریخ نگاری، تاریخ نگاری قرآن

مقدمه

قرآن کریم به عنوان یک منبع هدایت و حیانی مورد اتفاق مسلمانان، در راستای اهداف تربیتی و هدایتی خود از گزاره های تاریخی بسیاری بهره برده است. در این باره قرآن نیز همچون سایر کتاب های تاریخی با بیان تحولات رخ داده در حیات امت های پیشین، به توصیف سرنوشت آن ها می پردازد و با تذکر درباره اعمال شان از انسان ها می خواهد به طریق راستی و درستی قدم نهند و از حرکت در مسیر ظلم و ظلمت اجتناب کنند. تأمل در آیات تاریخی این کتاب مقدس حکایت از نوعی تاریخ نگاری خاص دارد که در بینش و روش متفاوت از سایر رویکردها و ژانرهای تاریخ نگارانه است. با توجه به اینکه کتاب قرآن مهمترین منبع شناخت آگاهی های تاریخی به حساب می آید که میزان تحولات تاریخی جامعه بشری را می توان در آن یافت، بررسی مکتب تاریخ نگاری قرآنی ضرورت دارد. با بررسی های صورت گرفته مشخص گردید که موضوعی با عنوان مورد نظر وجود ندارد اما پژوهش هایی نزدیک به موضوع انجام گرفته که می توان به مقاله درآمدی بر مولفه های تاریخ نگاری قرآن نوشته ی یعقوب پناهی و مریم صبری؛ مقاله تاریخ نگری و تاریخ نگاری قرآن کریم نوشته ی داود مهرابی اشاره کرد که پیرامون تاریخ نگاری قرآن بحث کرده اند اما پژوهش حاضر با بیانی متفاوت به تبیین ویژگی ها و روش های تاریخ نگاری قرآنی پرداخته است.

مفاهیم

قبل از ورود به مباحث اصلی از باب مقدمه ضرورت دارد مفاهیم اصلی تبیین گردد، لذا بدان پرداخته می شود.

مفهوم تاریخ

در باره ریشه و اشتقاق واژه تاریخ میان لغویان عرب اختلاف نظر وجود دارد.

ابو سعید عبدالملک بن قریب اَصْمَعی (متوفی ۲۱۳) آن را واژه ای عربی دانسته و گفته است که قیسی ها (یکی از قبایل بزرگ عرب) مصدر آن را اَرَخ و تمیمی ها (دیگر قبیله بزرگ عرب) وَرَخ می دانند،^۱

اما اَرخ رایج تر شده است.^۲

جوالبقی (متوفی ۵۳۹) بر آن است که این واژه ریشه عربی ندارد و مسلمانان آن را از اهل کتاب گرفته اند.^۳

جوهری (متوفی ۳۹۸ یا ۴۰۰) ریشه آن را اَرَخ/ اَرَخ (با فتح یا کسر همزه) به معنای گوساله گاو وحشی ذکر کرده است (ذیل «أَرخ»)^۴

^۱ . محمد بن یحیی صولی، ادب الکتّاب، قاهره، چاپ محمد بهجة الاثری، ۱۳۴۱، ج ۱، ص ۱۸۰.

^۲ . سید عبدالعزیز سالم، التاریخ و المؤرخون العرب، بیروت، بی نا، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۱۷.

^۳ . موهوب بن احمد جوالبقی، المعزب من الکلام الاعجمی علی حروف المعجم، قاهره، چاپ احمد محمد شاکر، ۱۳۸۹ق، ج ۱، ص ۱۳۷.

برخی، اصل واژه تاریخ را فارسی و برگرفته از « ماه - روز » می‌دانند که معرب آن مورّخ شده است.^۵ در درستی این مطلب تردید وجود دارد.

لغویان به این نتیجه رسیده‌اند که به احتمال قوی واژه تاریخ از ریشه آرّخ یا ورّخ سامی در یمن است، زیرا ورّخ (جمع آن: أورّخَم) در سنگ‌نوشته‌هایی متعلق به پیش از اسلام — که در جنوب عربستان پیدا شده — به معنای ماه قمری به کار رفته است.^۷

مفهوم تاریخ‌نگاری

موضوع و مفهوم تاریخ، معنای تاریخ‌نگاری: موضوع تاریخ یعنی آنچه از عوارض ذاتی آن بحث می‌کند، بررسی حوادث و تحولاتی است که در اندیشه و حیات آدمی رخ می‌دهد؛ و مفهوم تاریخ، یعنی مجموع صفاتی که تصور «تاریخ» حاوی آن است، دربردارندهٔ مجموع خصایص و صفات همان حوادث و تحولاتی است که موضوع «تاریخ» به‌شمار می‌آید. از این‌رو، محور اصلی تاریخ، انسان است و شناخت قوا، حواس و ادراکات انسانی و جلوه‌های بیرونی آن قوا مانند رشد، زندگی، سیاست، علم و ادب و بسیاری دیگر.^۸

پس وصف مکتوب احوال و اعمال انسان و آنچه بر او گذشته است، به هر روش و مبتنی بر هر مکتب و رعایت هر شیوهٔ تنظیم و تدوین تاریخی را تاریخ‌نگاری می‌توان خواند. پیداست که هر قومی احوالی داشته، و حوادثی از سر گذرانده که «تاریخ» اوست،^۹

اما بسیاری از اقوام، به سبب فقدان انگیزه و هدف و اعتقاد به فواید تاریخ، و سرانجام به سبب فقدان تاریخ‌نگری یا شعور تاریخی، لزوم حفظ و ثبت و نقل تاریخ خود را احساس نمی‌کردند؛ چنان‌که انگیزه‌ها و اهدافی که مسلمانان برای این کار داشتند و مهم‌ترین عامل ظهور و گسترش تاریخ‌نگاری در دورهٔ اسلامی بود، میان عرب حجاز پیش از اسلام وجود نداشت یا فقط به آن اندازه بود که به نقل شفاهی افتخارات مبالغه‌آمیز و مشحون از افسانه‌های قومی میدان دهد.^{۱۰}

^۴ . محمد بن عبدالرحمان سخاوی، الاعلان بالتوبیخ لمن ذمّ التاریخ، بغداد، چاپ فرانتس روزنتال، ۱۳۸۲ق، ج ۱، ص ۱۴-۱۵.

^۵ . حمزة بن حسن حمزه اصفهانی، تاریخ سنی ملوک الارض و الانبیاء علیهم الصلاة و السلام، بیروت، دارمکتبة الحیاء، بی تا، ج ۱، ص ۱۲.

^۶ . شاکر مصطفی، التاریخ العربی و المورّخون، بیروت، بی تا، ۱۹۸۳، ج ۱، ص ۴۹.

^۷ . جواد علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بیروت، بی تا، ۱۹۷۶ق، ج ۸، ص ۵۰۹-۵۱۶.

^۸ . محمد سخاوی، الاعلان بالتوبیخ لمن ذمّ التاریخ، به کوشش صالح احمد علی، بغداد، ۱۳۸۲ق، ج ۱، ص ۱۷.

^۹ . محمد عمادالدین کاتب، الفتح القدسی فی فتح القدسی، به کوشش محمد محمود صبح، بیروت، دارالقومیة، بی تا، ج ۱، ص ۴۳-۴۴.

^{۱۰} . دانشنامه بزرگ اسلامی، ج ۱۰، ص ۴۱۶۸.

تاریخ و تاریخ نگاری قرآنی

یکی از مهمترین دستاوردهایی که قرآن برای جوامع در پی داشته است؛ دقت و تامل بر وقایع تاریخی و نوع تاریخ نگاری آن بوده است. به تحقیق تاریخ نگاری قرآنی از جهت اینکه سبب ایجاد شناخت بسترها؛ زمینه ها وساختارهای اجتماعی جوامع پیش از ظهور اسلام شده است که اعمال و کنش های تاریخی در قالب آنها صورت گرفته است؛ موثر در تاریخ نگاری است.^{۱۱}

در قرآن کریم از واژه تاریخ استفاده نشده است، ولی سوره های بسیار طولانی، چون: اعراف، هود، یوسف، نمل، قصص، طه و محمد به سرگذشت امت ها، شخصیت ها و نهضت ها اختصاص داده شده است. سنت های الهی جاری در جوامع بشری در جای جای سوره های قرآنی مطرح گشته و مورد بهره برداری قرار گرفته است. همچنین تحلیل های تاریخی برای حوادث و جریان های گوناگون عرضه شده است و تاریخ بشریت و آفرینش انسان و کلیه جریانات مربوط به انسان مورد بررسی قرار داده شده است. قرآن کریم تابلویی بسیار تابناک و گویا از عصر صدر اسلام برای مطالعه کنندگان و پژوهش گران ترسیم نموده است. آینده بشریت را در این جهان به طور دقیق عرضه نموده و انسان را رویاروی گذشته و آینده اش قرار داده است. در نگارش جریان ها و پدیده های تاریخی نهایت دقت و ظرافت را به کار گرفته، و از تکرار و تأکید و تغییر واژه ها نگارش های گوناگون و بسیار ظریف به مخاطبان خود ارایه داده است.

موضوع های تاریخی قرآن

قرآن در بیان وقایع تاریخی خود غالباً موضوعاتی را انتخاب میکند که حاوی نکات و خاصیت آموزندگی داشته باشد. مثلاً از جمله موضوعات تاریخی که زندگی نامه و و سیره و الگو بودن برخی اشخاص است.^{۱۲} قرآن یک کتاب تاریخی نیست بلکه کتابی است که از هر چیز در طریق وصول به هدفهای تربیتی خود استفاده میکند و طبیعی است که تاریخ به عنوان یک وسیله خوب مورد توجه قرآن قرار گرفته است. لذا نمونه های تاریخی که در آنها هدف خاصی دنبال شود مورد توجه قرآن قرار گرفته است. حال برخی وقایع به صورت اجمال و برخی به صورت مفصل مورد بررسی قرار گرفته است. معمولاً موضوعات تاریخی مورد بررسی قرار میگیرد که تفکر و تامل مخاطب را برانگیزد.^{۱۳}

ویژگی ها و روش های تاریخ نگاری قرآنی

برخی مولفین در بررسی ویژگیهای تاریخ نگاری قرآنی آن را به دو دسته محتوایی و روشی تقسیم کرده اند:^{۱۴}

^{۱۱} مجید کافی، تاریخ در قرآن، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، چاپ اول، ۹۶، ص ۱۹

^{۱۲} مجید کافی، تاریخ در قرآن، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، چاپ اول، ۹۶، ص ۲۵

^{۱۳} یعقوب جعفری، بینش تاریخی قرآن، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۶، ص ۴۹

^{۱۴} محمدحسین دانشکیا، نگاهی دیگر به تاریخ در قرآن، نشر معارف، قم، ۱۳۹۳، ص ۵۷

تاریخ قرآن، تاریخ اسلامی: اگر قائل شویم تفسیر جهان خلقت، علم اسلامی است؛ این علم وقتی فراهم میشود که با دین مورد بررسی قرار گیرد و در چنین جایی "طبیعت"، "خلقت" تلقی می شود. در آن صورت تاریخ قرآن تاریخ اسلامی خواهد بود؛ زیرا حضور و ظهور خدا در آن آشکار است. انسان در قرآن در چارچوبی که خدا تعیین فرموده، از آزادی اراده برخوردار است. توجه به سنن الهی و سعی بر تطبیق حوادث با سنن مذکور موجب الهی شدن این علم میگردد.

تجهیز انسان به قدرت پیش بینی آینده و آینده نگری: قرآن با بیان تاریخ تمدنهای گذشته و آسیبهای رسیده به آن تجهیز آدمی برای به قدرت رسیدن پیش بینی آینده را فراهم می آورد. علاوه بر این قرآن آینده را پیش بینی میکند که این غیر از پیشگویی است. زیرا در پیش بینی احتمال صدق و کذب وجود دارد. در قرآن گاه در میان نقل رخدادهای بر اساس شواهداموری برای آینده پیش بینی میشود که تحقق آن بسته به فراهم آمدن شرایط است.

معرفی انسان و خدا به عنوان عوامل محرک تاریخ: درباره عوامل محرک تاریخ نظریات گوناگونی توسط مورخان بیان شده است ولی کلام قرآن به مثابه فصل الخطاب بودنش خدا و انسان را توأمان عامل محرک تاریخ میدانند. اما محرکیت خدا از این باب است که گاه بدون اراده همه انسانها اراده خود را جاری می سازد.

توسعه عرصه گزارش به غیر دنیا: عرصه گزارشات تاریخی قرآن محدود به دنیا نیست بلکه از آخرت نیز گزارش میدهد. قرآن در صدد است پیامد اعمال دنیوی را نه تنها در دنیا بلکه در آخرت نیز نشان دهد. همچنین قرآن از تاثیر و تاثر حوادث فرامادی در کنار عوامل مادی سخن میگوید مانند تاثیر دعا بر پیروزی

خالی بودن از موانع شخصی، قبیله ای، نمایشی، وبازاری: مورخ گاهی گرفتار چنین موانعی است و که با دخالت دادن آنها در نقل حوادث، تاریخ را به انحراف می کشاند.

موضعگیری در قبال قدرتمندان: قرآن نه تنها از این قشر حمایت نمیکند بلکه در صدد افشاگری ایشان بر میاد. بر خلاف اغلب تاریخ ها که در صدد ستایش ایشان است. قرآن از این افراد تعبیر به مستکبرین میکند.

انتخاب گر بودن انسان در نگرش تاریخی قرآن: قرآن نشان میدهد که هر کس در گرو عمل خویش است و هیچ جبری نمیتواند او را به انتخاب راهی وادار کند. قرآن در قصص خود نشان می دهد که انسان می تواند علیه خدا نیز عصیان کند که این خود بهترین دلیل آزادی او در برابر خدا و مشیت او است.

نشان دادن عمومیت جریان سنتهای الهی در میان اقوام: سنتهای حاکم بر جوامع و تاریخ بدون استثنا بر همه آنها جاری میشد. و هیچ ملیتی نمیتواند از جریان سنتهای مقرر رهایی یابد.

پرده برداری از اندیشه های حادثه سازان: مثلاً قرآن در نقل غزوه احد از ضعف عقیدتی مسلمانان پرده بر میدارد.^{۱۵}

شناخت اوضاع زمان صدور: قرآن درباره اوضاع و احوال اجتماعی زمان صدور آیات، شناختی به دست میدهد که فاقد کاستی های موجود در مدارک و شواهد مورخان درباره جوامع است.

تفکر مداری نقل های تاریخی قرآن: قرآن موجب پیشرفت نحوه تفکر و روش مورخان درباره جوامع گذشته اعم از گذشته پیش از اسلام و بعد از اسلام شده است

^{۱۵} محمدحسین دانشکیا، نگاهی دیگر به تاریخ در قرآن، نشر معارف، قم، ۱۳۹۳، ص ۵۷-۶۲

لله الگو مداری تاریخ نگاری قرآن: بیانگر نکات هوشمندانه ای است که مورخ زیرک برای بیان نقلهای تاریخی خود می تواند از آن بهره برد^{۱۶}

لله واقع بینی در تاریخ نگاری قرآنی: قرآن اصول واقع بینی، حقیقت نگاری، عینیت نگری را در تاریخ ثبت و ضبط حوادث و معرفی شخصیتها، بنیان نهاده است.^{۱۷}

ویژگیهای روشی

برای گزارشهای رویدادهای تاریخی سه روش وجود دارد: روش نقلی، روش تحلیلی و فلسفه تاریخ. در روش نقلی تنها به گزارش آنچه اتفاق افتاده است پرداخته می شود بدون اینکه به شرایط فرهنگی، عقیدتی، اجتماعی و فرهنگی توجه شود. در روش تحلیلی اسناد، آثار و مدارک حوادث به منظور کشف حقیقت، مورد بررسی قرار میگیرد. در فلسفه تاریخ نیز ضمن بهره وری از تاریخ نقلی و تحلیلی، بحث از قوانین و ضوابط حاکم بر جامعه است. قرآن از همه روشهای پیشین بهره برده است و با اسلوب ویژه خود واقعیتهای تاریخی را به گونه ای بدیع انعکاس داده است. قرآن تاریخ واقعی گذشته را در قالبهای هنری و تصویرهایی زیبا برای عبرت مردم بیان میکند و ضمن دور بودن از بسیاری پیچیدگی های نظری و لفظی، عمیقترین مفاهیم اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی و حتی احکام عملی را به تصویر میکشد.^{۱۸} به چند روش نقل وقایع تاریخی در ذیل اشاره میشود.

◀ هدف محوری :

قرآن در انتخاب محتوای گزارش ها و موضوعات تاریخی خود، در نتیجه گیری ها و حتی در روش چینش این گزارشات و ترکیب آنها، به دنبال تحقق اهداف خود است و لذا هیچ عبارتی در قرآن بیجا به کار نرفته است و هر موضوع متذکر هدفی خاص است.

◀ گذر از صرف ورود به مرز داوری و ارزش گذاری: تاریخ در قرآن صرفاً نقلی نیست بلکه به تحلیل میپردازد و حتی فراتر از این نیز پیش می رود و به داوری و ارزش گذاری میپردازد و در آخر گاه توصیه میکند و گاه نتیجه را به مخاطب واگذار میکند.

◀ علت گرا بودن تاریخ در قرآن: قرآن در نقل وقایع تاریخی دنبال علت وقایع است. مثلاً علت افول تمدنها و شکوفایی آنها چیست؟ لذا پژوهشگر در قرآن همواره مقابل چرایی حادثه ها قرار دارد. برای مثال وقتی قرآن از شکست قومی سخن به میان آورده است بلافاصله از علت آن سخن میگوید و آن را معلول علتی همچون کفر اعتقادی، تکذیب پیامبران، طغیانگری در مسیر اراده الهی، تلاش برای افساد در زمین و بیاعتنایی به حدود و مقررات الهی میداند.

◀ کم توجهی به اسامی اشخاص: قرآن در نقل وقایع تاریخی کمتر به به اسامی توجه دارد و تاریخ اسلام فقط به چند اسم اکتفا میکند. از جمله عللی که میتوان برای عدم ذکر اسامی در قرآن بر شمرد علاوه بر منت الهی گکه بر سر

^{۱۶} مجید کافی، تاریخ در قرآن، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، چاپ اول، ۹۶، ص ۱۹

^{۱۷} عزت الله رادمنش، تاریخ در قرآن، انتشارات استان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۸، ص ۴۲

^{۱۸} روشهای بیان رویدادهای تاریخی در داستانهای قرآن، محمد مولوی، محمدعلی داستان، یعقوب فتحی، فصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء (س)، سال ۱۴، شماره ۱، بهار ۹۶، پیاپی ۳۳

نابخردان گذاشته شده است؛ همچنین جلوگیری از سو استفاده خاندان کسانی که از آنها به نیکی در قرآن یاد شده و بالعکس. یا شاید اگر اسم کسی در قرآن می آمد عامل تحریف قرآن می شد. همچنین قرآن نمیخوانده خود راه جزئیات بی حاصلی که او را از فهم پیام آیات غافل می سازد، یا به جزئیاتی که خود منشا بحثها و تضادها است مشغول کند.

◀ معرفی الگو: قرآن با توجه به نیاز الگو طلب بودن انسان در زندگی الگوهای خود را معرفی می کند. از مزایای تاریخ قرآن، نقش آفرینی قهرمانها و اسوه ها است ولی نه به سان اغلب تاریخ های موجود که پادشاهان و سرداران را الگو معرفی میکنند، بلکه آنچه قرآن معرفی می کند، از میان انبیا و مومنان است. قرآن گاه گروهی را به عنوان گروه الگو معرفی میکند.

◀ مردمی بودن تاریخ قرآن: قرآن مخاطب خود را مردم معرفی میکند ولی اغلب تواریخ برای استفاده پادشاهان و تربیت ولیعهدها نوشته میشود. ازسوی دیگر گرچه مخاطب قرآن "ناس" است، فقط دانایان ایشان از آن بهره مند میشوند. در تواریخ رسمی غالباً مردم در حاشیه هستند، اما در قرآن مردم در متن قرار دارند. مردم همواره در حال ایفای نقش اند. آنان هستند که مورد استضعاف یا استخفاف قرار میگیرند ولی بی اراده نیستند و میتوانند اطاعت نکنند و در برابر زورمندان و ثروت اندوزان بایستند. در هیچ مکتبی آنقدر که در قرآن به "ناس" و "مردم" اهمیت داده شده، توجه نکرده اند. مکاتب دیگر یا صریحاً مردم را عاری از اعتبار دانسته و هرگونه اظهار وجود را در تاریخ از آنان سلب میکند و یا اینکه ریا و فریب آنان را در پی سراب کشانده به نام مردم بر مردم مسلط شده ولی ضد مردم عمل میکند. فلسفه تاریخ قرآن در این اصل دقیق منطوقی است که مبارزه انبیا و پیروان آنان تا اصالت بخشیدن و پیشوا کردن عامه مردم استمرار دارد.^{۱۹} مصادیق اثبات مردمی بودن تاریخ نگاری در قرآن میتوان به موارد زیر اشاره کرد:^{۲۰}

❖ رسول برای مردم: وَ أَرْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا وَ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا اسلام و قرآن مکتبی است که رهبر برای مردم اندر حالی که بیشتر مکاتب مردم برای رهبرند.^{۲۱}

❖ نجات مردم از چنگال ملا(آشراف و راحت طلبان کافر): فلسفه تاریخ قرآن مبارزه ای پیگیر و مستمر از آغاز حیات اولین انسانها برای رهانیدن توده مردم از چنگال ظلم و ستم بوده است. وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ... فَقَالَ الْمَلَأُ^{۲۲}

❖ خانه خدا خانه مردم: خانه خدا به دست حضرت ابراهیم به نیت مردم و برای مردم ساخته میشود تا هم خانه امن باشد هم خانه ثواب. وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا هدف مردمی مکتب انبیا که خانه

^{۱۹} عزت الله رادمش، تاریخ در قرآن، انتشارات استان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۸، ص ۵۴

^{۲۰} عزت الله رادمش، تاریخ در قرآن، انتشارات استان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۸، ص ۵۴.

^{۲۱} سوره نسا، ۷۹

^{۲۲} عزت الله رادمش، تاریخ در قرآن، انتشارات استان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۸، ص ۵۳

^{۲۳} سوره مومنون، ایه ۲۳ و ۲۴

^{۲۴} سوره بقره، ایه ۱۲۵

خدایش خانه مردم است با اغراض استثماری کاخ نشینانکه قصرها و کاخ هایشان بر پشت توده های مستضعف بنا شده متفاوت بلکه متباین است.

- ❖ تمدن بدون مردم میسر نیست: انبیا به کرار اشاره داشتند که بدون یاری مردم نمیتوانند به اهداف الهی خویش نائل آیند و هدف بسیج توده مردم است برای براندازی ملا و برپای حکومت قسط مردمی (لِيقُومِ النَّاسُ بِالْقِسْطِ)^{۲۵} در روند تاریخ در قرآن این امر جز به بازوی مردم صورت نمیپذیرد و تغییر و تحول باید به وسیله قوم انجام پذیرد إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ. تمدن دینی برخلاف تمدنهای دیگر شکل انحصاری ندارد بلکه تکلیف تمدن جلب ناس به تمدن است و برخوردار ساختن آنان از مواهب آن.
- ❖ طبیعت متعلق به مردم است: ثروتهای طبیعی، نیروهای طبیعت و مالکیت برخوردار از مواهب آن متعلق به تمامی مردم است و هیچ فرد یا خانواده ای به صرف فلان امتیاز توارثی یا نژادی یا اصل دیگری حق سلب حق دیگران را ندارد يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا.^{۲۶}
- ❖ ایفولوی مردمی: هدف از وضع مجموعه قوانین و ایدئو لوژی و فرستادن کتاب اعم از کتب انبیای گذشته و قرآن اصلاح امور مردم می باشد إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ.^{۲۸}
- ❖ خدا، خدای مردم است: قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ. مَلِكِ النَّاسِ. مردم به اندازه اعتقاداتشان جهان بینی، تحرک و هدف دارند و سرعت حرکتشان نیز در ساختن جامعه و تاریخ با نوع اعتقاداتشان به یک گونه است. تمام مستکبران تاریخ برای حاکمیت و تسلط بر توده افراد اعتقادات مردم را دست کاری کرده و اعتقادی را که نفع خود در آن باشد به مردم القا کرده اند. انبیا برای برهم زدن وضع موجود و وصلت میان آسمان و زمین وسکستن قطبها و هرگونه سد و مانعی که مردم را از آسمان جدا میکند رسالت یافته اند. وحدت بین زمین و آسمان وحدت بین اقشار است. در چنین وضعیتی باشکستن تمام قطبهای اجتماعی و آسمانی انسان سریعترین حرکت را برای ساختن تاریخ خویش خواهد داشت و بدون تردید در هیچ مکتبی میدان ناس را برای شدن و ساختن تاریخی عظیم و تمدنی بزرگ باز و گسترده نمیبینیم.
- ❖ آیات الهی برای مردم: آیات نشانه های خداوند است برای هدایت و ارشاد و تکامل ناس يُبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ. آیات نشانه ظاهری دارد اما شناخت رمز و علت چیستی و چرایی آن و کشف قوانین و اصول حاکم بر آن برعهده مردم است.
- ❖ اصالت بخشیدن به ناس سوای هر تبعیض و امتیاز: قرآن برای اصالت بخشیدن به ناس با شدت هر چه تمام تر به مبارزه با ارزشهای خونی پرداخته است. يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا^{۳۱}

^{۲۵} سوره حدید، آیه ۲۵

^{۲۶} سوره رعد، آیه ۱۱

^{۲۷} سوره بقره، آیه ۱۶۸

^{۲۸} سوره نساء، آیه ۱۰۵

^{۲۹} سوره ناس، آیه ۱ و ۲

^{۳۰} سوره بقره، آیه ۲۲۱

^{۳۱} سوره حجرات، آیه ۱۳

❖ تاریخ مردمی در خدمت مردم: وَقَوْمَ نُوحٍ لَمَّا كَذَبُوا الرُّسُلَ أَعْرَفْنَاهُمْ وَجَعَلْنَاهُمْ لِّلنَّاسِ تَارِيخٍ در قرآن برای مردم است. هدف و مقصودش هشدار به مردم است. تذکرات و خازرات گذشته رازنده میکند تاراه صلاح را به مردم نشان دهد

◀ عدم رعایت ترتب زمانی در نقل: در تاریخ قرآنی نه ترتیب و توالی حوادث رعایت می شود و نه همه موضوع هایی که درباره یک رخداد است یکجا بیان میگردد و نه ترتیب زمانی وقوع حوادث در نقل رعایت میشود.

◀ پرهیز از یک سو نگری: قرآن در تاریخ دست به انتخاب زده ولی از یک سو نگری نیز پرهیز کرده است. قرآن در گزارشهای خود از زوایای مختلف به موضوع تاریخی توجه میکند؛ زوایایی که امروز شاخه هایی از علوم به شمار میروند.

◀ حرکت از حال به گذشته و آینده: تاریخ در قرآن، از حال به گذشته می رود و در گذشته نمونه ای را می یابد و آن را برای حال و آیندگان به ارمغان می آورد. اگر تاریخ قابلیت تکرار نداشت، عبرت گیری از آن ممکن نبود. با توجه به مجموعه ای از آموزه های قرآنی میتوان گفت: تکرار تاریخ در قرآن، یعنی انجام اعمالی مشابه از سوی انسانهای آزاد در هر عصر که منجر به اعمال سنت الهی می شود و قرآن انسان را متوجه این تکرار می کند و انتظار دارد که انسان از امکان تکرار تاریخ عبرت بگیرد.

◀ توجه به خلیات و تاثیر آن در رخدادها: تاریخ نگاری قرآنی در چنین جاهایی است که وارد جزئیات می شود تا با شناساندن رفتارهای ناشی از نگرش و ارزش، به تحلیل رخدادها بپردازد.

◀ قرآن نوعی تاریخ عمومی: قرآن از آن جهت که از خلقت آغاز میکند و گزارش می دهد و از همه اقوام سخن می گوید. لذا قرآن تاریخ انسان ساز است.

◀ تاریخ قرآن کتاب آموزش معارف دینی و اصول مبارزه: قرآن سرشار از آموزشهای عملی برای مخاطبین قرآنی است. مثلا حضرت نوح علیه السلام ۹۵۰ سال دعوت کرد و در مقابل آزار ستمکاران تبلیغ خود را استمرار بخشید و در مقابل تمسخر زورگویان و سفیهان قوم ایستادگی کرد.

◀ استفاده از استدلال و برهان در شیوه تاریخ نگاری قرآنی: این ویژگی در گزارشهای قرآنی زیاد مشاهده می شود.

◀ استفاده از سبکهای متنوع در بیان گزارشهای تاریخی: قرآن بر خلاف بسیاری از منابع تاریخی، در گزارشهای خود از روش واحدی استفاده نکرده مثلا از روشهای متنوعی همچون روشهای زیر استفاده کرده است. بیان تاریخ به صورت گفتگو، نقل قول مستقیم از زبان دشمن، نقل قول از زبان خدا، استفاده از روش استفهامی و

✚ یکی از روشها برای نقل تاریخ قرآنی روش غیر مستقیم است.^{۳۳} قَلَمًا رَأَى قَمِيصَهُ قَدْ مِنْ دُبُرٍ قَالَ إِنَّهُ مِنْ كَيْدِكُنَّ إِنَّ كَيْدَكُنَّ عَظِيمٌ.^{۳۴} پس چون [شوهرش] دید پیراهن او از پشت چاک خورده است گفت بی شک این از نیرنگ شما [زنان] است که نیرنگ شما [زنان] بزرگ است

◀ بهره گیری از روش تکرار در داستانهای قرآن: برخی از فرازهای داستانهای قرآن به مناسبتهای گوناگون تکرار میشود. تکرار بجای این عبارات و نقلها نه تنها هیچ ضرری به کلام نمیزند بلکه بر زیبایی آن نیز می افزاید. وارد کردن یک معنی به صورتهای متعدد و عاجز بودن افراد از آوردن حداقل یکی از صورتهای، حالت تحدی است.^{۳۵}

◀ ارائه برخی قوانین لایتغیر در تاریخ به پژوهشگر در پرتو مطالعه تاریخ قرآن: به واسطه این شناخت اصولی در حرکت تاریخ و تمدن محقق میشود که به عنوان نمونه به موارد زیر اشاره میشود.

که خدا را بیرستید و از او پروا دارید و مرا فرمان برید] تا [برخی از گناهانتان را بر شما ببخشاید]^{۳۶}

هر امتی را زمانی [محدود] است آنگاه که زمانشان به سر رسد پس نه ساعتی [از آن] تاخیر کنند و نه پیشی گیرند^{۳۷}

هدف از تاریخ نگاری در قرآن

- ❖ از جمله اهداف تاریخ نگاری توجه به بیهوده و بی هدف نبودن خلقت جهان و انسان است.
- ❖ هدف دیگر تاریخ نگاری بالا بردن روحیه تعبد در افراد است. تا در مقابل عظمت خدا سر تعظیم و تسلیم فروی آورند.
- ❖ زمینه برای رشد و تکامل انسان فراهم می آید و در چنین حالتی انسان باید در عالم هستی که به منزله میدان مسابقه است تحت آزمایش و امتحان قرار گیرد.^{۳۸}
- ❖ از دیگر اهداف عبرت آموزی و استفاده از تجربه است. چنانکه قرآن مکرر مردم را به ملاحظه آثار گذشتگان فرا می خواند.
- ❖ کتاب قرآن مهمترین منبع شناخت آگاهی های تاریخی به حساب می آید که میزان تحولات تاریخی جامعه بشری را می توان در آن یافت.

^{۳۳} عزت الله رادمنش، تاریخ در قرآن، انتشارات استان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۸، ص ۷۴

^{۳۴} سوره یوسف، آیه ۲۸

^{۳۵} روشهای بیان رویدادهای تاریخی در داستانهای قرآن، محمد مولوی، محمدعلی داستان، یعقوب فتحی، فصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء (س)، سال ۱۴، شماره ۱، بهار ۹۶، پیاپی ۳۳

^{۳۶} سوره نوح، آیه ۳ و ۴

^{۳۷} سوره نوح، آیه ۴۹

^{۳۸} یعقوب جعفری، بینش تاریخی قرآن، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۶، ص ۶۲

نتیجه گیری

دقت و تامل در وقایع تاریخی و تاریخ نگاری مهم ترین دستاورد قرآن کریم برای جوامع بشری محسوب می شود. بازتاب تاریخ نگاری قرآنی عبرت آموزی و تجربه است که نقش اساسی در زندگی انسان دارد. در بررسی ویژگیهای تاریخ نگاری قرآنی، می توان آن را به دو دسته محتوایی و روشی تقسیم کرد. برای گزارشهای رویدادهای تاریخی سه روش وجود دارد: روش نقلی، روش تحلیلی و فلسفه تاریخ که متناسب با شرایط و موقعیت متفاوت هستند.

منابع و مأخذ

* قرآن

۱. اصفهانی، حمزه بن حسن حمزه ، تاریخ سنی ملوک الارض و الانبیاء علیهم الصلاة والسلام، بیروت، دارمکتبه الحیاء، بی تا.
۲. جعفری، یعقوب، بینش تاریخی قرآن، بی جا، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۶.
۳. جوالیقی، موهوب بن احمد ، المعرب من الکلام الاعجمی علی حروف المعجم، قاهره، چاپ احمد محمد شاکر، ۱۳۸۹ ق.
۴. دانشکیا، محمدحسین ، نگاهی دیگر به تاریخ در قرآن، نشر معارف، قم، ۱۳۹۳.
۵. رادمنش، عزت الله ، تاریخ در قرآن، مشهد، انتشارات استان قدس رضوی، ۱۳۶۸.
۶. سالم، سیدعبدالعزیز ، التاریخ و المؤرخون العرب، بیروت، بی تا، ۱۴۰۶.
۷. سخاوی، محمد بن عبدالرحمان ، الاعلان بالتوبیخ لمن ذم التاریخ، بغداد، چاپ فرانتس روزنتال، ۱۳۸۲ ق.
۸. صولی، محمد بن یحیی، ادب الکتب، قاهره، چاپ محمد بهجه الاثری، ۱۳۴۱.
۹. علی، جواد ، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بیروت، بی تا، ۱۹۷۶ ق.
۱۰. کاتب، محمدعمادالدین ، الفتح القسی فی فتح القدسی، به کوشش محمد محمود صبح، بیروت، دارالقومیه، بی تا.
۱۱. کافی، مجید، تاریخ در قرآن، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، بی تا.
۱۲. مصطفی، شاکر، التاریخ العربی و المؤرخون، بیروت، بی تا، ۱۹۸۳.
۱۳. میر سلیم، مصطفی، دانشنامه بزرگ اسلامی، بی جا، بنیاد دایره المعارف اسلامی، ۱۳۷۵.
۱۴. مولوی، محمد و دیگران، "روشهای بیان رویدادهای تاریخی در داستانهای قرآن"، فصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء (س)، سال ۱۴، شماره ۱، بهار ۹۶، پیاپی ۳۳.